

ادامه از صفحه اول

انصاف در نمایندگی

مستأفانه بخش اعظم وقت نمایندگان هم صرف همین بخش‌هایی‌شود. محرومیت‌زدایی وظیفه‌ای ملی برای همه ایرانیان است اما اگر نگاه به آن، ابزاری شود، اخلاف در کار نمایندگی است. نماینده مجلس باید منافع عمومی را در نظر بگیرد و با قانونگذاری درست و نظارت بر دستگاه‌های دولتی، به توسعه مناطق کمتر توسعه‌یافته شتاب ببخشد. اینکه یک نماینده برای پیگیری کاری که از عهده شورا‌های شهر و روستا نیز برمی‌آید به وزارتخانه برود و وقت وزرا را برای خواسته‌های بسیار جزئی بگیرد، در شأن نماینده نیست. نگاه او حتما باید معطوف به منافع ملی باشد.

۴- باب‌شدن چنین حرکاتی نیز امری ناپسند است. فرض بگیریم که نمایندگان یک استان با فشار، منابعی را درخواست کنند. عین این عمل را استان‌های دیگر هم می‌توانند انجام دهند. این در حالی است که حداقل در این دولت، بودجه بر اساس منافع ملی و واقعیت‌های کشور تدوین شده و نگاه محلی و قومی نسبت به منطقه‌ای خاص وجود نداشته است. اتفاقا اگر استان‌هایی مانند فارس و اصفهان، سکوت کنند و برخی با فشار بخواهند به اسم محرومیت، بودجه بیشتری بگیرند که عدالت اجرا نشده است. حتما نمایندگان می‌دانند که استان تهران با دراختیارداشتن بیشترین ثروت کشور، بیشترین قشر محروم را نیز در خود جای داده است. اگر عدالتی وجود داشته باشد نباید با سهم‌خواهی، طلب پول کرد بلکه باید با نگاه کارشناسی، به محرومیت‌زدایی در کل مناطق و استان‌هاهمت گماشت.

۵- در خاتمه ذکر یک تذکر به مجلس نهم ضروری است. فراموش نکنیم این برخورد با دولتی صورت می‌گیرد که رفتاری اخلاقی با نمایندگان دارد. احتمالا بی‌حرمتی‌هایی که در بخش‌های مختلف دستگاه اجرایی در هشت‌سال گذشته نسبت به مجالس صورت گرفته، از یاد برخی دوستان رفته است. دولت روحانی تلاش می‌کند با احترام متقابل و مفاهمه میان قوا، امور کشور را به پیش ببرد تا آنچه میان دولت و مجلس اصولگرا شاهد بودیم، هیچ‌گاه تکرار نشود. این حسن‌ظن را باید پاس داشت. مجلس به سه وزیر پیشنهادهی برای وزارت ورزش و جوانان، رای اعتماد نداد و اخمی از دولت دیده نشد که باید هم اینگونه باشد. معنای این رفتار این است که بنای دولت بر احترام مجلس و رای و نظر نمایندگان است. شایسته‌نیست در قبال رفتار احترام‌آمیز، رفتار غیرمنطقی و نلمتعارف در پیش گرفته شود. مجموع بودجه‌هایی که فرضا با این قبیل رفتارها اخذ می‌شود، یک‌درصد رقم کل بودجه هم نیست. مهم، رفتار قانونی برای حل مشکلات کشور در چارچوب مصالح کلان است.

محمد توسلی متولد ۱۳۱۷ در تهران است. او در سال۱۳۳۵ وارد دانشکده فنی دانشگاه تهران شد و از اعضای فعال انجمن اسلامی دانشجویان بود. وی از سال۱۳۴۰ و با تشکیل نهضت آزادی از اعضای آن شد و در سال ۴۱ برای تحصیل در رشته حمل‌ونقل و ترافیک به آلمان رفت. سپس برای ادامه تحصیل در رشته راه و ترافیک به آمریکا رفت. وی بعد از انقلاب اسلامی به‌عنوان اولین شهردار تهران راهی بهشت شد. ۶۰سالگی ۱۶ آذر بهانه‌ای بود تا پای حرف‌های او درباره جنبش دانشجویی بنشینیم.

انجمن اسلامی پس از سال ۷۶ و شروع اصلاحات چه رویه‌ای پیش گرفت؟

جنبش دانشجویی تغییرات تدریجی داشت، تا سال ۶۸ یک دوران را می‌گذراند و از ۷۰ به بعد با تحولات سیاسی به تدریج این تغییرات در حال انجام است در حقیقت این سال شروعی برای آغاز گفتمانی جدید در انجمن‌های اسلامی و کلا جنبش‌های دانشجویی در دانشگاه‌های ایران است. همین دانشجویان در سال ۷۶ گفتمان اصلاحات را در جامعه بسط و گسترش می‌دهند. حضور موثر جنبش دانشجویی در کنار اصلاحات آن هم بعد از بیش از یک‌دهه سکوت جنبش دانشجویی بیش از پیش در فراگیرشدن این گفتمان در بطن جامعه موثر بود. دانشجوی به صفت دانشجویبودن آزاد فکر می‌کند و بر اساس مبانی علمی فکر می‌کند و ارتباطش با جهان بسیار بیشتر و از افشار مختلف جامعه است و معرف مطالبات عمومی جامعه است و به طور طبیعی زمانی که گفتمانی مطرح می‌شود که مطالبه تاریخی ملت ایران است، او نیز از این گفتمان دفاع و از آن حمایت می‌کند و طبیعی بود دانشجویان از گفتمان اصلاحات دفاع می‌کنند و جنبشی به وجود می‌آید به نام جنبش دوم‌خرداد. بعد از دوم‌خرداد فضای جدید و شور جدیدی در جامعه به وجود آمد و به خصوص تفاوت آرای آقای خاتمی با کاندیدای رقیب که یک شوکی در فضای جامعه و بالطبع در محیط‌های دانشگاهی به وجود آمد و یک شور و نشاطی در جامعه شکل گرفت و بازتاب آن در دانشگاه نیز بسیار مشخص بود. از سویی راست سنتی نیز به هر حال برای یک مقطع زمانی شش‌ماهه می‌توان گفت حتی از این اتفاق متحیر بودند و بعد شروع به سازماندهی خود کردند و آن جمله صحیح آقای خاتمی که هر ۹ روز یک بحران در کشور به وجود می‌آمد از همین سازماندهی طرف مقابل به وجود آمد.

جنبش دانشجویی بعد از دوم‌خرداد چه مسیری را پیمود؟

جنبش دانشجویی در یک مقطعی راه به افراط پیمود. جنبش دانشجویی بعد از دوم‌خرداد دچار اشتباه شد و این

تصور را داشت حالا که آقای خاتمی رئیس‌جمهور شده است و به هر حال دانشجویان تمام‌قد در کنار اصلاحات ایستاده‌اند باید به‌سرعت به مطالبات جنبش دانشجویی پاسخ داده شود؛ در حالی که حداقل در همان زمان هم مشخص بود با آن شرایطی که در آن زمان وجود داشت تغییرات اجتماعی یک‌شبهه شکل نمی‌گیرد و باید گام به گام انجام شود و این عدم تحمل آنان موجب یک اشتباه تاریخی از سمت جنبش‌های دانشجویی و انجمن‌های اسلامی شد و مطالبات را خارج از وسع و ظرفیت انقلاب از آقای خاتمی مطالبه کردند و این گزینه اشتباه را داشتند که تصور کردند جنبش‌های دانشجویی باید وارد عرصه سیاست و انتخابات شوند در انتخابات شوراها شرکت کردند، در انتخابات مجلس شرکت کردند و وارد مجلس شدند و فکر می‌کردند که جنبش دانشجویی به‌عنوان یک حزب باید عمل کند و چون مطالبات عملی نمی‌شود و با واقعیت سیاسی و اجتماعی جامعه تطبیق نداشت عملا در مقطعی به جدایی جنبش دانشجویی از روند صحیح اصلاحات انجالمید. ناگفته هم نم‌اند که در این میان گروه‌های نزدیک به گرایشات چپ هم نقش بسیاری داشتند؛ اینکه ناگهان چپ غیراسلامی در انجمن اسلامی نفوذ کرد و شعارهایی می‌دادند که اصلا با واقعیت سیاسی جامعه هیچ نزدیکی نداشت و نتیجه اینکه در شعارهای‌شان از خود آقای خاتمی هم عبور کردند. در حقیقت انجمن‌های اسلامی که یک تشکل قانونی و منسجم و در چارچوب قانون است ناگهان از رئیس‌جمهور قانونی خودشان هم قصد عبور داشتند و برخی با شعارهای تند کود‌کانه- که انجمن اسلامی بر آن تاکید داشت- بنا داشتند از اسلام هم بگذرند و خاطرم هست که در یکی از نشست‌ها که دعوت شده بودم صراحتا به دانشجویان گفتم که این رفتارها و شعارها خلاف عقلانیت و منطق است و هیچ طرفی از این رفتار نیست غیر از صدمه‌زدن به جنبش اصلاحات و آقای خاتمی.

فکر نمی‌کنید قسمتی از خواسته‌های جنبش دانشجویی نادیده گرفته شد که آنها راه‌رادیکالیسم و افراط را پیش گرفتند؟

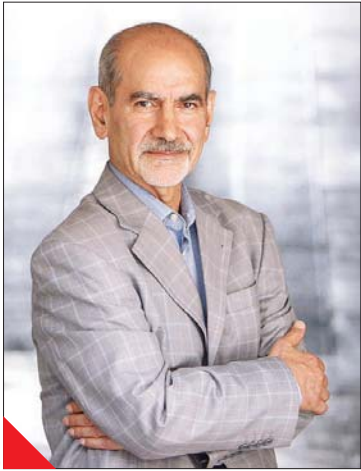
خواسته‌های دانشجویان شاید بحق بود اما احتیاج به زمان داشت، باید زیرساخت‌های جامعه و عرصه سیاست آماده می‌شد تا آن خواسته‌ها محقق می‌شد. راه رسیدن به دموکراسی و دموکراسی‌خواهی یک فرآیند است نه یک پسروزه به گفته مهندس بازرگان، آزادی و دموکراسی یادگرفتنی و یک فرآیند است که باید طی شود. آمبول یا دارو نیست که با مصرف آن ناگهان جامعه دموکراتیک شود.

سیاست

محمد توسلی در گفت‌وگو با «شرق» بررسی کرد

جنبش دانشجویی و گذار به دموکراسی

مریم قربانی‌فر



عکس:مهرداد صیقلی/شرق

انچه شما به عنوان شخصی که در حسان ترین برهه تاریخی ایران فعال دانشجویی بودید کار کرد جنبش‌های دانشجویی را چگونه می‌دانید و ارزیابی می‌کنید؟
به‌نظر بنده با توجه به تجربه ۵۰ساله‌ای که در این مسیر دارم جنبش دانشجویی باید به چند بخش تقسیم شود؛ یک بخش نهادهای فرهنگی است. انجمن اسلامی باید یک نهاد فرهنگی و اجتماعی باشد که دانشجویی که وارد دانشگاه می‌شود در این انجمن‌ها از نظر اجتماعی و فرهنگی به بالندگی لازم دست پیدا کند و در کنار آن باید نهادهای فرهنگی و مدنی دیگری در دانشگاه‌ها تشکیل شوند که دانشجویان متناسب با علاقه خود در این نهادها و انجمن‌ها حاضر شوند. از مجموع این نهادهای مدنی می‌تواند سازمان‌های دانشجویی شکل بگیرد که صنفی است و طبق قانون سازمان‌های صنفی دانشجویان مطالبات عمومی دانشجویان را درخواست می‌کنند و در مقطعی هم هماهنگ با جنبش‌های اجتماعی می‌توانند مطالبات سیاسی و اجتماعی نیز داشته باشند اما در قالب یک نهاد دانشجویی نه نهاد سیاسی. دانشجوی زمانی که صاحب بلوغ سیاسی شد، می‌تواند عضو سازمان سیاسی شود و سازمان‌های سیاسی و احزاب می‌توانند صاحب شاخه دانشجویی باشند اما این موارد باید تفکیک شده و جدا از هم باشد و کارکرد این دو با یکدیگر ادغام نشود. جنبش دانشجویی باید مستقل و دموکراتیک و انتخابی باشد و اینچنین ساختاری می‌تواند چشم‌انداز بسیار خوبی برای آینده کشور باشد. تربون‌های آزاد باید در این نهادها شکل بگیرد و ساختار مستقل داشته باشند. اما چون از ۱۶آذر و تحولات جنبش دانشجویی در این ۶۰سال آغاز کردیم، می‌خواهم در پایان نکته‌ای را بیان کنم که ۱۶آذر یک نقطه تاریخی نه در جنبش دانشجویی که در تحولات اجتماعی جامعه ایران است. از یک سو مقاومت و ایستادگی جنبش دانشجویی را در مقابل سلطه بیگانگان نشان می‌دهد و از سویی مطالبات تاریخی ملت ایران را نمایندگی می‌کند که این از ویژگی‌های جنبش دانشجویی است. از سویی دیگر جامعه ما و جنبش دانشجویی ما باید به این پدیده توجه کنند که کسانی که موافق جنبش اجتماعی نیستند خودشان همیشه در رادیکالیزه کردن جنبش‌ها تلاش می‌کنند و این از نشانه‌های روشن ۱۶آذر ۱۳۳۲ است و باید از این موضوع سرمشق گرفته شود. فکر می‌کنم جنبش دانشجویی بعد از سال‌های اخیر این بلوغ را پیدا کرده است که در دام رادیکال‌ها نمی‌افتد و به سمت افراطی کردن فضا نمی‌رود. باید این بلوغ جنبش دانشجویی را قدر نهاد و تقدیر کرد که هم جامعه و هم جنبش دانشجویی در «گذار به دموکراسی» گام‌های مثبتی را برمی‌دارند؛ بنابراین می‌توان به آینده امیدوار بود.

انچه شما به عنوان شخصی که در حسان ترین برهه تاریخی ایران فعال دانشجویی بودید کار کرد جنبش‌های دانشجویی را چگونه می‌دانید و ارزیابی می‌کنید؟
به‌نظر بنده با توجه به تجربه ۵۰ساله‌ای که در این مسیر دارم جنبش دانشجویی باید به چند بخش تقسیم شود؛ یک بخش نهادهای فرهنگی است. انجمن اسلامی باید یک نهاد فرهنگی و اجتماعی باشد که دانشجویی که وارد دانشگاه می‌شود در این انجمن‌ها از نظر اجتماعی و فرهنگی به بالندگی لازم دست پیدا کند و در کنار آن باید نهادهای فرهنگی و مدنی دیگری در دانشگاه‌ها تشکیل شوند که دانشجویان متناسب با علاقه خود در این نهادها و انجمن‌ها حاضر شوند. از مجموع این نهادهای مدنی می‌تواند سازمان‌های دانشجویی شکل بگیرد که صنفی است و طبق قانون سازمان‌های صنفی دانشجویان مطالبات عمومی دانشجویان را درخواست می‌کنند و در مقطعی هم هماهنگ با جنبش‌های اجتماعی می‌توانند مطالبات سیاسی و اجتماعی نیز داشته باشند اما در قالب یک نهاد دانشجویی نه نهاد سیاسی. دانشجوی زمانی که صاحب بلوغ سیاسی شد، می‌تواند عضو سازمان سیاسی شود و سازمان‌های سیاسی و احزاب می‌توانند صاحب شاخه دانشجویی باشند اما این موارد باید تفکیک شده و جدا از هم باشد و کارکرد این دو با یکدیگر ادغام نشود. جنبش دانشجویی باید مستقل و دموکراتیک و انتخابی باشد و اینچنین ساختاری می‌تواند چشم‌انداز بسیار خوبی برای آینده کشور باشد. تربون‌های آزاد باید در این نهادها شکل بگیرد و ساختار مستقل داشته باشند. اما چون از ۱۶آذر و تحولات جنبش دانشجویی در این ۶۰سال آغاز کردیم، می‌خواهم در پایان نکته‌ای را بیان کنم که ۱۶آذر یک نقطه تاریخی نه در جنبش دانشجویی که در تحولات اجتماعی جامعه ایران است. از یک سو مقاومت و ایستادگی جنبش دانشجویی را در مقابل سلطه بیگانگان نشان می‌دهد و از سویی مطالبات تاریخی ملت ایران را نمایندگی می‌کند که این از ویژگی‌های جنبش دانشجویی است. از سویی دیگر جامعه ما و جنبش دانشجویی ما باید به این پدیده توجه کنند که کسانی که موافق جنبش اجتماعی نیستند خودشان همیشه در رادیکالیزه کردن جنبش‌ها تلاش می‌کنند و این از نشانه‌های روشن ۱۶آذر ۱۳۳۲ است و باید از این موضوع سرمشق گرفته شود. فکر می‌کنم جنبش دانشجویی بعد از سال‌های اخیر این بلوغ را پیدا کرده است که در دام رادیکال‌ها نمی‌افتد و به سمت افراطی کردن فضا نمی‌رود. باید این بلوغ جنبش دانشجویی را قدر نهاد و تقدیر کرد که هم جامعه و هم جنبش دانشجویی در «گذار به دموکراسی» گام‌های مثبتی را برمی‌دارند؛ بنابراین می‌توان به آینده امیدوار بود.

ادامه از صفحه اول

جوانان و ازدواج

اکثر کسانی که ازدواج کرده‌اند داعیه مدرن دارند و ازدواج با الزام‌های مدرن را دنبال می‌کنند اما صورت آن را هنوز سنتی حفظ کرده‌اند؛ یعنی اهل آداب هستند، اهل مراسم هستند اهل بریز و بپاش هستند که از سنت آمده است اما محتوای آن را مدرن می‌خواهند. آنها همه امکانات لازم و مناسب و رسمی برای زندگی می‌خواهند. دختران ما به خواستگاری پاسخ مثبت می‌دهند که توانایی مدیریت زندگی در حد طبقه متوسط را داشته باشند. همانطور که پسران ما به خواستگاری دخترانی می‌روند که این خواسته‌ها را داشته باشند از دخترانی خواستگاری می‌کنند که به آنها کمک کند تا در زندگی و شرایط مدرن از نوع طبقه متوسط بمانند نه اینکه کاهش موقعیت طبقاتی برایشان فراهم شود. اینکه می‌گویم موجب نشوند تا کاهش موقعیت طبقاتی بیابند اشاره به این دارم که اکثر مردم شهری ایران خود را جزو طبقه متوسط می‌دانند دختران و پسران در این فضا زیست می‌کنند و در امر ازدواج به این اصل اهمیت می‌دهند و همسرایی را جست‌وجو می‌کنند که این نیاز را پاسخ دهند. این یک امر است که به‌سادگی در ایران از بین نمی‌رود. در کنار تغییر ایجادشده شرایط اقتصادی و اجتماعی زندگی خانواده‌گی به‌شکل سنتی نیز سخت شده است. در گذشته بیشتر افراد سال‌ها بعد از تشکیل زندگی متوجه می‌شدند که خانواده جدید دارند این زمان همان زمان از دست دادن والدین بود. وقتی پدر و مادر که بزرگان خانواده بودند، فوت می‌کردند افراد ازدواج‌کرده احساس می‌کردند که خودشان زندگی مستقل دارند. زمانی احساس مستقل‌شدن و دارای زندگی خانواده‌گی داشتن را پیدا می‌کردند که دارای فرزند بوده و بخش اعظم زندگی‌شان هم تمام شده بود. زمانی بود که خود جای والدینشان را گرفته و حکم پدر و مادر بزرگ را داشتند. در حالی که امروز شرایط اینگونه نیست. افراد زمانی که ازدواج می‌کنند احساس می‌کنند که مسوول خانواده هستند، این احساس است که هم خوشایند است و هم هزینہبر؛ خوشایندیی این نوع احساس همراه با هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی است که تشکیل زندگی را سخت کرده است. درحالی‌که در گذشته هزینه زندگی کم بود و احساس زندگی مستقل هم در دوره میانسالی بعد از مرگ بزرگان خانواده به دست می‌آمد با افزایش هزینه زندگی است که نسل جدید در ایران با حساب و کتاب اقدام به تشکیل خانواده می‌کنند. آنها خیلی سخت به ازدواج تن می‌دهند. یکی دیگر از عواملی که در این زمینه مداخله کرده، هزینه‌ای است که با تولد فرزند به وجود می‌آید. در گذشته تولد فرزندان برای خانواده جدید هزینه زیادی نداشت. در دوره جدید هزینه‌های آموزشی و اجتماعی فرزندان بر دوش والدین است.

ادامه در صفحه ۱۴



کترینگ گشنیز

وقت ناهار لذت ببرید!



قابل توجه شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی و خصوصی (۱۰ نفر به بالا)

تلفن: ۰۹۱۲۶۴۶۱۱۸۵ - ۸۸۸۵۲۴۰۵

برنج ۱۰۰٪ ایرانی با گوشت گوسفندی

با قیمت باورنکردنی!